

سومین جشنواره مادران قصه‌گوی شهر تهران برگزار می‌شود

فرهنگی و هنری

علیرضا بندری نام آشنایی در حوزه روزنامه‌نگاری، شعر و ترانه است. این روزها او در پیچ اینستاگرامش دست یاری به سوی مردم ایران دراز کرده است و یادآور شده است ، گاه همراه اصفهان و زاینده‌رودش و یا هم‌نفس با خوزستانی‌ها از بی‌هوایی می‌گویم اینبار باید صدای لنگرود شویم.

او عکسی از پل خشتی لنگرود گذاشته است

که با چارچوب‌های فلزی انگاری دارد تهدید می‌شود و سیمان سفید را به جان یک پل خشتی انداخته اند.

اما چرا این پل خشتی اهمیت دارد؟

مسعود حیدری کارشناس بناهای تاریخی و موزه درباره این پل توضیحاتی داده است:

پل خشتی لنگرود روی رودخانه لنگرود و از خشت و آجر ساخته شده است. این پل، معروف‌ترین بنای تاریخی لنگرود است و با نام محلی «خشته پورد» معروف است. این رودخانه از یکی از آب‌راه‌های سفیدرود سرچشمه می‌گیرد و کاملاً از مرکز شهر لنگرود می‌گذرد.

پل خشتی لنگرود از آنجا که در مرکز شهر و در جای مناسبی قرار دارد کماکان از اهمیت

رفت و آمد خاصی برخوردار است. این پل به خاطر جنس مواد به کارفته و شکل خاص آن، همیشه مورد توجه و اهمیت بوده است.

پل خشتی لنگرود، «فشکالی محله» را به «راه پشته»؛ دو تا از محله‌های بزرگ شهر لنگرود، وصل می‌کند. پل خشتی لنگرود را شخصی به نام حاجی آقا پرد و به دستور حاجی آقا بزرگ متجم باشی، در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه، ساخته است. معروف‌ترین بنای تاریخی لنگرود است و با نام محلی «خشته پورد» معروف است. این پل روی رودخانه لنگرود و از خشت و آجر ساخته شده است.

پل خشتی لنگرود از آنجا که در مرکز شهر و در جای مناسبی قرار دارد کماکان از اهمیت

رفت و آمد خاصی برخوردار است. این پل به خاطر جنس مواد به کاررفته و شکل خاص آن، همیشه مورد توجه و اهمیت بوده است.

این پل به عنوان معروف‌ترین بنای تاریخی و نماد شهر لنگرود یاد می‌شود که ۲ منطقه لنگرود به نام‌های فشکالی محله و راه پشته را به یکدیگر متصل می‌نماید. در گوشش گیلکی لنگرودی، به این پل خشته پل و خشته پورد می‌گویند.

ما همه صدای لنگرودیم



بر اساس اطلاعات کتاب تاریخ‌خانی تا سال ۹۱۲ هـ . ق در شهر لنگرود، تنها یک پل چوبی موجود بود. از این رو ساخت این پل را می‌توان به زمان حکام کبابی گیلان منسوب دانست. هر چند پارهای از بومیان ساخت این پل را منطقه به عهد تیموری و ایلخانیان نسبت می‌دهند که البته سند و مدرک معتبری در این‌باره در دست نیست؛ اما در کتاب دارالمرز ولایت گیلان نوشته رایینو ساخت آن را مربوط به دوران صفویه دانسته است.

کیارستمی در فیلمی از کیاست

که می‌گفت: آدم می‌مرد و دومرتبه زنده می‌شد، حتماً بهتر زندگی می‌کرد. درواقع من هم خواستم چرخه زندگی را در فیلم نشان دهم.

وی درباره تصاویر استفاده‌شده در فیلم عنوان کرد: تصویری که استفاده‌شده است از مجموعه فیلم‌های استاد و هم از فیلم‌های کوتاه که شاگردان او در ورک شاپ‌های خارجی استاد ساخته‌اند.

کیاست ادامه داد: نتیجه این تجربه یک فیلم ۵ دقیقه‌ای است.

موسیقی که از آن استفاده شده قطعه‌ای است از آثار میکس و ترپ دانیال اسدی که همراه است با صدای استاد شهرام ناظری و کمانچه داود گنج‌های که با کسب اجازه از این بزرگان از آن‌ها بهره گرفتیم.

وی درباره حضور این فیلم در جشنواره‌های مختلف نیز اظهار کرد: این فیلم در جشنواره تصویر سال نمایش داده شد و اول مرداد در موزه تاریخ و هنر ملی بلاروس در شهر مینسک و در جریان برپایی جشنواره فیلم و گراتت نیز روی

مادران علاقه‌مند به حضور در این جشنواره در دو سطح مقدماتی و پیشرفته آموزش خواهند دید و کلاس‌ها به صورت تعاملی با فراگیران برگزار خواهد شد. ثبت‌نام‌کنندگان در جشنواره از ۱۵ مرداد تا ۵ شهریور توسط مربیان قصه‌گویی آموزش می‌بینند و آماده حضور در مرحله نهایی خواهند شد. نفرات برتر جشنواره نیز با رأی داوران انتخاب شده و در مراسم اختتامیه در شهریور ماه تقدیر می‌شوند.

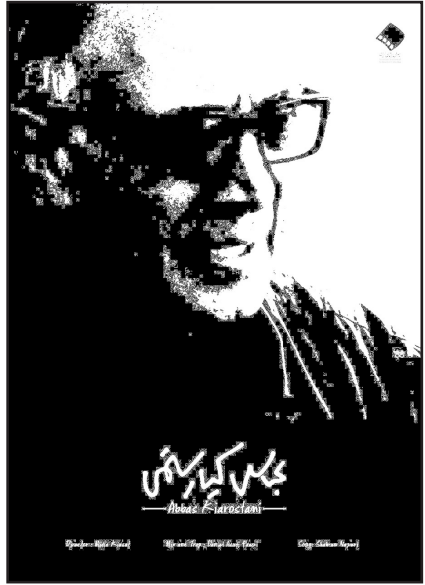
علاقه‌مندان برای ثبت نام در کلاس‌ها و شرکت در جشنواره مادران قصه‌گوی شهر تهران تا ۱۰ مرداد ماه فرصت دارند به فرهنگسراهای نزدیک محل سکونت خود مراجعه کنند.

محل عبور عابر پیاده روی پل را در مرمت‌های اخیر با قلوه سنگ مفروش ساخته اند. پل دارای دهانه با طاق جناقی نسبتاً کند است. دو فرو رفتگی در پیشانی پل و در فاصله بین دو قوس قرار دارد. هر یک از قوس‌ها در سمت بیرونی دارای یک نوار آجرکاری به عرض ۱۲ سانتیمتر است که حالتی تزیینی و برجسته دارند.

علاوه بر آن در کناره قوس‌ها آجرچینی خاصی نیز انجام شده و حاشیه‌های به عرض ۶۰ سانتیمتر را به وجود آورده است. پایه میانی قطور پل ۴ متر عرض دارد و دو موج‌شکن یا سیل برگردان در دو طرف پل برای کاستن از فشار آب در ایام افزایش سطح آب تمییه شده اند. یک دهانه کوچک بین پایه میانی پل و یک طاق نمای جناقی بر بالای آن با عرض ۵۰ سانتیمتر وجود دارد. پل خشتی لنگرود، به عنوان معروف‌ترین بنای تاریخی و نماد شهر لنگرود است به یاری علیرضا بندری و علیرضا بندری‌ها پشتیبانم و یادآور شویم که تخریب و یا دستکاری بناهای تاریخی تخریب بخشی از هویت ماست، لنگرود پاره تن ایران است و زخم‌های این چنینی چهره تمام ایران را مخدوش خواهند کرد.

طول این پل بیشتر از ۳۷ متر و عرض آن ۴٫۵ متر و ارتفاع بلندترین نقطه پل از سطح رودخانه ۹٫۷۵ سانتی متر می‌باشد و نیز دارای ۲ دهانه فراخ است.

پل از یک سطح میانی و دو بخش جانبی شیب دار تشکیل شده است. عرض پل در قسمت میانی و بین دو جان پناه ۳۴۵ تا ۳۵۰ سانتیمتر و عرض قسمت جان پناه‌ها هریک ۴۵ و ارتفاع آن ۲۵ سانتیمتر است. عرض کلی پل ۴۳۰ سانتیمتر است.



برده می‌رود و امیدوارم علاوه بر جشنواره سینما حقیقت در جشنواره فیلم کوتاه تهران نیز حضورداشته باشد.

این کارگردان جوان درباره انتخاب عنوان عباس کیارستمی برای فیلمش و بازخوردهایی که دریافت کرده نیز گفت: جالب بود که وقتی اسم استاد کیارستمی را انتخاب کردم، برای نمایش در جشنواره‌های بین‌المللی با استقبال خوبی مواجه شد و بر اساس نگرش و شناختی که از کارگردان فقید سینمای ایران (به دلیل حضور مؤثر او در معرفی سینمای ایران به جهان) وجود دارد، اتفاق بسیار خوبی رقم خورد.

البته این انتخاب عنوان، تمدنی نبود و به خاطر ارادت قلبی خودم به استاد بود و به عنوان عضوی کوچک از جامعه سینما، خواستم این اثر را تقدیم استاد و خانواده او کنم.

کیاست در خاتمه درباره سایر فعالیت‌های خود نیز عنوان کرد: این روزها مشغول انجام کارهای پست پروداکشن فیلم مرگ سهراب هستم به تهیه‌کنندگی مدرسه ملی سینمای ایران که تمام مراحل ساخت فیلم در استودیو کروماکی بوده است.

رونمایی جلد چهارم اندیشه معماران معاصر ایران

مسلط دارد. عجب آنکه با هنرهای تنیده با تار و پود مردمان و محیط و محاط با هستی‌شان نیز به شکلی انتزاعی و تجریدی برخورد می‌شود. لاجرم آن بخش از طرح آثار معماری و شهرسازی به قلم شرق شناسان و سیاحان نیز نمودی جسمانی دارد و شرح اندام و منظر، ترجیح بند خاطره‌ها و نوشتارهایشان است و نکته‌ای که همچنان مغفول می‌ماند، ماهیت دوران است و درک روانشناسانه ای، تا انسان دوره‌های گوناگون این سرزمین را در ظرف و منظوفش، به درستی و نزدیک تحلیلی و توصیفی است.

امین رونمایی و اعضاء جلد چهارم کتاب اندیشه معماران معاصر ایران چهارشنبه ۲۸ تیر ماه ۱۳۹۶ از ساعت ۱۶ الی ۱۸

در موزه هنرهای دینی امام علی (ع) به نشانی خیابان ولیعصر (عج) ، بالاتر از ظفر ، بلوار اسفندیار، شماره ۲۵ برگزار می‌شود.



برای دریافت این گواهی اقدام کند، صادر می‌شود.

رئیس انجمن مؤسست مد و لباس کشور افزود: این گواهی مورد تأیید کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و تاکنون پنج مؤسسه موفق به دریافت آن شده‌اند.
محمودی با تأکید بر لزوم همراهی تمامی مؤسسات در راستای اجرای موفق این طرح ملی بیان کرد: مؤسساتی که تمایل به دریافت



جلد چهارم اندیشه معماران معاصر ایران از سلسله مجلدات به همین نام از نسوی انجمن مفاخر معماری ایران به انتشار رسیده است.

این کتاب مشتمل بر گفتگوهایی با سید رضا آزمایش، فرهاد احمدی، سید محمد بهشتی، کتابون تقی زاده، فریار جواهریان، جهانگیر درویش، موسی عبیر، شهریار خراسانی قدیمی، شهاب کاتوزیان، کمال کمونه، مهدی مجابی، سهراب مشهودی و ترانه یلدا است.

دکتر سیروس باور، دکتر مصطفی پناه‌دوز، مهندس عباس فرخ نوزوزی، دکتر احمد سعیدینیا و مهندس شهرام گل امینی سخنرانان این نشست هستند.

اندیشه پژوهی در میراث مکتوب فرهنگ و هنر چند هزار ساله ما، خاصه در عرصه هنرهای کاربردی، مقررور به بیان مفهوم و تعمق در روح زمانه و تبیین رویکردها و چگونگی خلق آثار نبوده است، حتی در توصیف آنچه پدید آمده، شرح فرم و کالبد، نگرشی

کتاب صوتی شاهنامه با معرفی فرانسیس فورد کاپولا و

صدای مارک تامپسون

داستان‌های شاهنامه (بخش به نام پادشاهان) را به زبان انگلیسی بشنود. هدف این گروه آن است که داستان‌های شاهنامه را روی انواع مختلف سیستم عامل‌ها ارائه دهند تا به دست مخاطبان متنوعی در سراسر جهان برسد.

حمید رحمانیان همکار جان گانگ‌هایم ۲۰۱۴ است. کار او روی فیلم و گرافیک تمرکز داشته و اغلب در مسابقات و نشریات بین‌المللی عرضه شده است. روایت‌ها و فیلم‌های مستند او در ونیز، ساندنس، تورنتو، تریکا و جشنواره‌های فیلم IDFA به نمایش درمی‌آیند. او برنده جوایز متعددی نیز شده است. آثار وی در شبکه‌هایی از جمله PBS، کانال سائنس، iFC، کانال حمید رحمانیان از شاهنامه توسط انتشارات Quantuck Lane Press منتشر شده است. این ناشر پیش از این کتاب ۶۰۰ یاد کرده است، در تیراژی بالا منتشر کرده است. رحمانیان همچنین یک نمایش‌نامه برای تئاتر براساس داستان عشق زال و رودابه از شاهنامه آماده کرده است که باعنوان آتش‌سوزی: DR۱، و الجزیره پخش شده است. این ناشر پیش از این کتاب ۶۰۰ یاد کرده است، در تیراژی بالا منتشر کرده است. آثار او در زمینه یزدان شاهنامه همکار برای تئاتر براساس داستان عشق زال و رودابه از شاهنامه آماده کرده است که باعنوان آتش‌سوزی: EPIC PERSIAN در آکادمی موسیقی بروکلین در سال ۲۰۱۶ عرضه شده است.

فراخوان نمایشگاه لباس عاشورایی

سبک زندگی اسلامی و ایرانی کارگروه ساماندهی مد و لباس دومین نمایشگاه لباس‌های عاشورایی در دو بخش اصلی و جنبی برگزار می‌شود. این رویداد با هدف تنظیم شاعر و احیای فرهنگ غنی اسلام در راستای قانون کارگروه ساماندهی مد و لباس، ترغیب و تشویق طراحان برای ارائه ایده‌ها با نگاه دینی و طرح لباس مذهبی، عزاداری و عاشورایی در گروه‌های سنی مختلف، ارج نهادن به زحمات پیشکسوتان، چهره‌های ماندگار و فعالان این عرصه، بررسی نقش لباس و کاربرد آن در ایام

محرم و شیوه‌های انتقال فرهنگ عاشورا، به‌کارگیری علائم و نشانه‌های اقوام ایرانی در لباس‌های مذهبی و عاشورایی و جلوگیری از ترویج لباس مبتذل در مراسم عزاداری و هیئت‌های مذهبی برگزار خواهد شد. قرار است نمایشگاه آثار این دوره، شهرومروره اسمال برپا شود. علاقه‌مندان می‌توانند متن کامل فراخوان دومین نمایشگاه لباس عاشورایی را در سایت رسمی بنیاد ملی مد و لباس کشور به نشانی **www.iranmode.com** ببینند.



مستقل

۵

سه شنبه ۲۷ تیر • شماره ۱۹۲

ستون یاد

مردی که دلتنگ حنجره‌اش بود



الهام رئیس‌فردانبه– روزنامه‌نگار



اغراق نیست اگر بگوییم که لرستان و خرم آباد با دو نام در ذهن‌ها تداعی می‌شود ، فلک الافلاک و رضا سقایی، نامی که به بلندای فلک الافلاک است. منطقه زاگرس نشین یک زمزمه معروف دارد که چه زنان پشت دار قالی و چه مردان در میدان کار و تلاش همیشه همراه دارند و نماد آمادگی است برای جنگیدن و تلاش: دایه دایه وقت جنگه...

این ترانه حنجره طلایی رضا سقایی خوانده است. رضا سقایی در سال ۱۳۱۸ در محله قدیمی پشت بازار شهرستان خرم آباد متولد شد. به علت شرایط ویژه در همان دوره ابتدایی درس و مشق را رها کرد و به خیاطی روی آورد. در دهه ۴۰ با آن صدایی که گفتم ترانه‌های «گنم خر» (خریدار گندم) و «کَوش طلا» (کفش طلا) را خواند و موسیقی لری را با شکوهی بی نظیر به عرصه ملی کشاند.

اما اتفاق عظیم تر، برای شناسایی این موسیقی و توانایی حنجره استاد رضا سقایی زمانی به اوج رسید که در سال ۵۶ موسیقیدان توانمند شادروان مجتبی میرزاده برای بازسازی هنرمندانه ترانه‌های «دالکه» «تفتنگ»، «زندگی»، «قدم خیر»، «دایه دایه»، «مورچی» و … به کمک سقایی آمد و کاری کرستان در موسیقی ایران اتفاق افتاد.

سقایی متأسفانه در سال ۵۷ به علت عمل لوزه و محاسبات غلط پزشکی جراح، آن حنجره و صوت اساطیری را از دست داد و به خاطره‌ها سپرد ولی که‌گاه بی‌تابی او را و می‌داشت در محافل دوستانه چیزی زمزمه کند که همین زمزمه‌های دلتنگی هم بر اثر بمباران شهر ازنا توسط هواپیمای عراقی به ایلغار رفت.

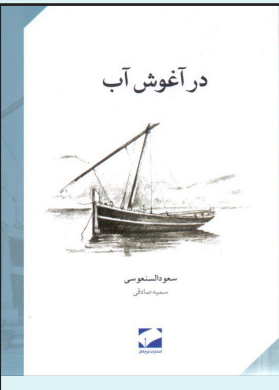
پیکر رضا سقایی پس از تشییع در تهران به خرم‌آباد منتقل شد و در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۸۹ با شرکت جمعی از مسئولان دولتی استان لرستان، مردم، اهالی موسیقی و دوستداران وی تشییع و در قطعه هنرمندان آرامستان خرم‌آباد به خاک سپرده شد. حسین پرنیا نوازنده سننور و آهنگساز و از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع پیکر رضا سقایی در خرم‌آباد در خصوص این مراسم گفت:

جای تعجب است! که این‌قدر جمعیت در تشییع پیکر هنرمند لرستانی شرکت کرده‌اند، با سقایی اهل این شهر نیست با این شهر متعلق به رضا سقایی نمی‌باشد، چرا که انتظار داشته‌ایم عده بیشتری از مردم در مراسم تشییع استاد سقایی شرکت می‌کرد.

در ۲۷ تیر ۱۳۸۹ سقایی دلتنگی‌هایش را برای دنیا وانهاد و از ما گذشت و درگذشت. علی اکبر شسکارچی خواننده و کمانچه‌نواز درباره سقایی گفت: مردم هنردوست ایران، لرستانی‌های عزیز هنر پرور، ذهن و گوش و هوش شما و فرزندان‌تان در سراسر ایران با نغمه‌خوانی سقایی با موسیقی لری آشنا شد. او با تهی‌دستی و صبوری نهال موسیقی لری را در طول عمر پربارشان در جان شییفته شما غرس کرد. اکنون بسیار متأسفم که سرانوازان لرستان

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

در آغوش آب



سعود السنوسسی، نام نویسنده‌ای کوتبی جوان است که اکنون ۳۶ سال سن دارد و البته با همین سن و تنها با چهار اثر از مهمترین داستان‌نویسان جهان عرب است… داستان نویسی که سال ۲۰۱۳ برنده جایزه بین المللی داستان عربی شد و مهم‌ترین داستانش همین کتابی است که قرار است به شما معرفی کنیم… کتابی که انگلیسی زبان‌ها "The bamboo stalk" ترجمه‌اش کردند و سمیه صادقی، مترجم ایرانی آن را در آغوش آب ترجمه کرده است.

رمان در آغوش آب داستان پسری است با چند نام، چند چند، چند موطن و وطن، و دو

مادر. رمان در آغوش آب داستان آدم بدبختی است که در تکرر زاده شده است: تکرری برآمده از فلاکت که به هزار زبان، فقر را به نمایش می‌گذارد. ببخشید این طور شروع کردم… این را بگذارید به حساب نویسنده کوتبی، سعود السنوسسی…

در سراسر رمان در آغوش آب دارد یک اتفاق می‌افتد و شما به حال راوی و مادرش افسوس می‌خورى، اما کاش شما که احتمالاً مخاطب بدی این رمان هستی به من بگویید واقعا چرا آن اتفاق‌ها باید نصیب حوزه می‌شد. دلیلی که ژوزفین می‌گوید که از کجا نشأت می‌گیرد.

آغاز رمان در آغوش آب که البته عنوان انتخابی مترجم اثر، سمیه صادقی است و عنوان اصلی آن ساق البامبو (احتمالا ساقه درخت بامبو) است، آغازی کوبنده به حساب می‌آید، به این معنا که مخاطب را درگیر خودش می‌کند… این آغاز جذاب که سرشار از هول و تنش‌های درونی و بیرونی راوی پیچیده داستان است، بر دوام می‌ماند تا خواننده رمان فکر زمین گذاشتن کتاب از میخ‌له‌اش هم نگذرد… شخصیت‌های قصه که غالباً در فقر و آسیب‌های اجتماعی غوطه ورند، رشاد شفاف و برجسته رنگ آمیزی شده‌اند و مخاطب در همان فصل اول با آن‌ها به تعامل و همزیستی در قصه می‌رسد… زبان بی‌پیرایه ساده و سلیس است تا کوچک‌ترین خللی در خوانش اثر برای مخاطب اتفاق نیفتد… و خوزه یا عیسی، نام مطلقاً استعاری راوی، با همین ترندهایی که سعود السنوسسی، در کتابش به کار گرفته مثل ملاحی در سنگ، در همان بدو امر، در ذهن مخاطب حک می‌شود… در آغوش آب ساختار جالب و البته کلاسیکی دارد که خواندن اثر را برای ما راحت می‌کند. بخش بندى‌ها را ببینید: قسمت اول؛ عیسی… پیش از ولادت، قسمت دوم؛ عیسی… پس از تولد، قسمت سوم؛ عیسی… دهلیز اول، قسمت چهارم؛ عیسی… دهلیز دوم، قسمت پنجم؛ با بهترین آرزوها و نهایتاً قسمت آخر؛ عیسی… در حاشیه کشور.

شاید در وهله اول که به فهرست کتاب و عناوین فصول رمان نگاه کنید یاد عیسی مسیح و داستان او در انجیل چهارگانه بیفتید… خصوصاً دو فصل اول عناوین کتاب مقدسی دارند… سعود السنوسسی با این که ماجرای بومی حوزه با همان عیسی را در فیلیپین و کویت بازگو می‌کند اما سعی کرده است به داستانش وجهی جهان شمول ببخشد و در این کار موفق بوده است… انتخاب نام عیسی برای فرزند یک کاراکتر عرب و مسلمان که همسرش مسیحی است کاملاً منطقی به حساب می‌آید و از سوی دیگر وقتی می‌بینیم همین عیسی داستان ما تا چه حد در زندگی‌اش مصیبت دیده است، یاد مصائب مسیح می‌افتیم… نام عیسی از این نظر نامی است فرای مرزهای جغرافیایی به تصور درآمده در رمان… در آغوش آب زمانی نیست که فقر در گوشه‌ای از این جهان بی در و پیکر را تصویر کند، این رمان جهان سوم را به نمایش گذاشته است؛ جهانی که نکبت، فقر و بدبختی‌های اجتماعی از سر و کولش بالا می‌رود و اغلب تماشاگران این دنیای نحس جز تماشاى این فلاکت کاری نمی‌توانند از پیش ببرند.